

سال اول جنگ تحمیلی*

مقدمه

هر ایرانی به خصوص فرماندهان آتی ارتش جمهوری اسلامی ایران باید بدانند که اسلاف و پیش‌کسوت‌های آنان تحت چه شرایطی و با چه جانفشانی موفق شدند هجوم دشمن بعثی را در سرزمین‌های پهناور و استانهای مرزی دفع و از دسترسی متجاوزین به اهداف از پیش تعیین شده خود جلوگیری نمایند بدیهی است این مهم زمانی سودمند و اثرگذار است که توسط شاهدان عینی بیان گردد.

ویل دورانت مورخ معاصر در کتاب تاریخ تمدن خود درباره تاریخ و جنگ به دو نکته جالب اشاره می‌کند: درباره تاریخ می‌گوید: «تاریخ سکه‌ای است با دو روی همسان و از این رو پریشان کننده؛ یک روی سکه وقایعی است که به وقوع پیوسته و روی دیگر آن سکه وقایعی است که مورخ آنها را ضبط کرده است.»

در این راستا بیان حقایقی از تاریخ کشور در جریان انقلاب و جنگ تحمیلی برای آینده سازان قدرت دفاعی کشور بدون ایجاد هر گونه شک و تردید ثمربخش و ارزشمند است. اما در زمینه جنگ می‌گوید: «جنگ یکی از عناصر پایدار تاریخ است و تمدن و دموکراسی از آن چیزی نکاسته است: جنگ از ازل بوده و تا ابد هم خواهد بود. از ۳۴۲۱ سال اخیر که تاریخ مدون دارد فقط ۲۶۸ سال آن بدون جنگ است؛ پس صلح آرامشی است ناپایدار که تنها با «قبول برتری» و یا «تساوی قدرتها» قابل دوام است. اگر در قرون گذشته فقط دولتها و نظامیان درگیر جنگ بودند متأسفانه در حال حاضر به سبب پیشرفت تکنولوژی و روی کار آمدن جنگ‌افزارهای کشتار جمعی جنگ به میان ملتها هم کشیده شده است.» لذا آگاهی از عملکرد رزمندگان این مرز و بوم زمینه‌ای است برای فرماندهان آینده ارتش تا ضمن تلاش در افزایش قدرت رزمی و ایجاد باز دارندگی، از تجربیات حماسه آفرینان دفاع مقدس بهره برداری نمایند.

* . به قلم: سرتیپ ۲ ستاد سید علی اکبر موسوی قویدل

وضعیت ارتش ایران در دوران بازدارندگی

یکی از دلایل اصلی حمله عراق به ایران، کاهش قدرت رزمی ارتش به عبارت دیگر از بین رفتن تساوی قدرتها بیان گردید لذا اجمالاً وضعیت ارتش ایران را در یک دهه قبل، که از توان بازدارندگی و قدرت رزمی برتر برخوردار بود با ذکر وقایع و اسناد موجود بررسی و سپس علل کاهش قدرت رزمی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

در کلیه کشورهای جهان ارتش با توجه به تهدیدات و بر اساس استراتژی ملی پایه ریزی و سازماندهی می‌شود و در همین راستا، در هر یک از نیروهای زمینی، دریایی و هوایی، یگان‌های رزمی، پشتیبانی رزمی، پشتیبانی خدمات رزمی و سازمانهای آموزشی متناسب، برآورد و سازماندهی می‌گردد. یگان‌های تشکیل شده با اجرای آموزشهای مستمر انفرادی و یگانی در روز و شب، تمرینات صحرایی و مانور در رده‌های مختلف و انجام اعمال سرویس و نگهداری روی وسایل و وسائط آمادگی رزمی لازم را کسب و آماده اجرای مأموریت می‌گردند. در ایران نیز سازمان ارتش با توجه به موقعیت حساس جغرافیایی کشور و مرزهای طولانی با کشورهای همسایه برآورد و سازماندهی و از قدرت رزمی مناسب برخوردار گردید.

۱. اوایل سال ۱۳۴۸

زامداران کشور عراق در یک اقدام یک‌طرفه اعلام نمودند که رودخانه شط العرب (اروند رود) جزئی از سرزمین عراق است و کشتی‌هایی که به مقصد بندر ایران در این آبراه تردد می‌کنند باید به جای پرچم ایران پرچم عراق را به اهتزاز درآورند وگرنه توسط مأمورین عراقی توقیف خواهند شد. این ادعا به شدت از طرف مسئولان وقت کشور ایران رد و روابط بین دو کشور تیره گردید و نیروهای مسلح دو طرف متخاصم در خطوط مرزی در مقابل هم صف آرایی کردند و عملیات مشترک اروند رود (عما) شروع و جنگ سرد بین دو کشور آغاز گردید. اولین کشتی ایرانی در حالی که جنگنده‌های نیروی هوایی آن را اسکورت می‌کردند با پرچم برافراشته ایران از اروند رود به مقصد بندر آبادان عبور کرد. طبق دستورات صادر شده هرگونه عکس‌العمل عراقیها، با حمله سراسری نیروهای ایرانی برای تصرف اهداف پیش بینی شده در داخل کشور عراق مواجه می‌شد، ولی مأموران عراقی از

هرگونه عمل خلاف اجتناب کردند و سران کشور عراق از ادعای ارضی اعلام شده صرف نظر نمودند، زیرا آنان مطمئن بودند که قدرت مقابله با ارتش ایران را ندارند و سپس با توسعه روز افزون قدرت رزمی ارتش ایران از قرارداد الجزایر که در ششم مارس ۱۹۷۵ (اسفند ماه ۱۳۵۳) منعقد گردید استقبال نمودند.

قسمتی از مفاد اساسی این قرارداد به شرح زیر بود: (۱)

- مرزهای زمینی بر اساس پروتکل قسطنطنیه (استانبول) سال ۱۹۱۳ و صورت جلسات کمیسیون تعیین مرز سال ۱۹۱۴ تعیین شود.
- مرزهای آبی بر اساس خط تالوگ (خط میانه کانال اصلی قابل کشتیرانی) می باشد.

۲. در اواسط دهه ۱۳۵۰

با افزایش بودجه دفاعی و خرید تسلیحات نظامی مدرن، برنامه ریزی و تجهیز و تقویت ارتش ایران به منظور اهداف بزرگتری انجام می شد که مسئله مرزی و خطرات احتمالی عراق چیز کم اهمیتی جلوه می کرد و لذا ارتش ایران از قدرت دفاعی قابل توجهی برخوردار گردید:

الف: افزایش استعداد پرسنلی ارتش به ۴۱۰ هزار نفر.

ب: ایجاد یک قدرت دفاعی قدرتمند و بازدارنده در زمین و هوا.

پ: ایجاد یک قدرت نظامی برتر در دریا و آبهای ساحلی.

درباره وضعیت ارتش ایران در این برهه زمانی، اظهارات سرلشکر عراقی و فیک السامرائی

موید موارد بالا است: (۲)

یک کمیته عالی رتبه به منظور انجام مطالعات لازم برای تهیه طرحهای پدافندی یا آفندی در صورت بحرانی شدن اوضاع و بروز جنگ تشکیل شد. برنامه ریزی برای رویارویی نظامی اعم از اینکه آفندی باشد یا پدافندی از جمله وظایف اصلی این کمیته بود. اطلاعاتی خوب و کامل در مورد اوضاع سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی (به ویژه قومیت‌های مختلف) و سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی در اختیار این کمیته قرار داده شد. توانمندی نیروهای مسلح ایران غیر قابل انکار بود.

- نیروی زمینی برخوردار از یک قدرت بازدارنده با بیش از ۱۰۰۰ فروند هلی‌کوپتر (۳۸۰ فروند هلی‌کوپتر کبرا مجهز به موشکهای ضد تانک تاو و مسلسل‌های سنگین) و حدود ۲۰۰۰ دستگاه تانک از نوع چیفتن انگلیسی و ام ۶۰ - آ - یک امریکایی (مدرن‌ترین تانک‌های روز).

- نیروی دریایی برخوردار از حاکمیت دریایی بلامنازع با ۱۲ فروند ناوچه موشک انداز (کومبتنانت) ساخت فرانسه و مجهز به موشک‌های ضد شناور ساخت آمریکا (هارپون) و تعدادی ناو و رزم‌ناو.

- نیروی هوایی قدرتمند با بیش از ۴۵۰ فروند جت جنگنده (۷۸ فروند اف - ۱۴ مجهز به موشک‌های هوا به هوا به هوای فینیکس که هر هواپیما بر اساس معیارهای موجود قادر بود از فاصله ۱۲۰ کیلومتری در آن واحد شش هدف را مورد حمله قرار دهد).

- بیش از ۵۰ هزار نفر نیروهای ژاندارمری برای حفاظت و مراقبت از پاسگاههای مرزی.
- کنترل و مراقبت کشور عراق از شمال تا جنوب تا عمق صدکیلومتری غرب بغداد (منطقه حبانیه) با تأسیسات زمینی و هوایی و بهره‌گیری از سرویسهای اطلاعاتی.

علل کاهش قدرت رزمی ارتش ایران

۱. جریان‌های قبل از انقلاب اسلامی

اعتراض و مقابله مردم انقلابی از رژیم استبدادی از سال ۱۳۵۶ که در پاره‌ای از شهرها (تبریز، قم، تهران، مشهد و...) با راهپیماییهای گسترده همراه بود، سران کشور را به وحشت انداخت و لذا برای تهدید و ارباب مردم و برقراری آرامش، با اعلام حکومت نظامی پرسنل نظامی مسلمان را که از متن مردم و غالباً از مستضعفین بودند در خیابانها در مقابل مردم قرارداد؛ با این اقدام نه تنها نیات سران رژیم تأمین نگردید بلکه به دلایل زیر آمادگی رزمی یگان‌های ارتش به‌ویژه نیروی زمینی ارتش سیر نزولی را طی نمود.

الف - کاهش انضباط در یگان‌ها:

پرسنل نظامی که رو در روی پدران، مادران، برادران، خواهران، فرزندان، همسران، فامیل و دوستان و نهایتاً همشهری و هموطنان خود قرار گرفته بودند. چون اکثراً آمادگی

قبول این نوع مأموریت را نداشتند با غیبت و فرار از سربازخانه‌ها و تمرد از اجرای دستورات از قبول مسئولیت خودداری می‌نمودند، در نتیجه انضباط که یکی از ارکان اساسی یگان‌های نظامی است به شدت کاهش یافت.

ب - کاسته شدن کارآیی رزمی پرسنل با تعطیل شدن آموزشهای مصوبه:
در زمان صلح اصلی ترین وظیفه یگان‌های نظامی، اجرای مستمر آموزشهای انفرادی و یگانی در روز و شب در پادگانها و مناطق آموزشی می‌باشد. حتی در زمان جنگ هم در صورت فراهم شدن شرایط اجرای آموزشهای مورد نیاز پیگیری می‌شود. با استقرار یگان‌ها در خیابانها امکان اجرای آموزش از یگان‌ها سلب گردید و اصلی ترین وظیفه یگان‌ها به بوته فراموشی سپرده شد و کارآیی رزمی پرسنل پایین آمد.

پ - کاهش آمادگی رزمی یگان‌ها به سبب عدم اجرای سرویس و نگهداری وسایل و تجهیزات:
یکی دیگر از وظایف اصلی یگان‌های نظامی در زمان صلح و حتی زمان جنگ انجام اعمال سرویس و نگهداری وسایل و تجهیزات می‌باشد. با استقرار یگان‌ها در خیابانها امکان اجرای این فعالیت نیز از یگان‌ها سلب شد و با از کار افتادن تدریجی امکانات، موجبات کاهش آمادگی رزمی یگان‌ها فراهم گردید.

ت - افزایش معایب و نواقص موجود در یگان‌ها به سبب عدم اجرای بازدیدهای فرماندهی و ستادی:
معایب و نواقص یگان‌ها با انجام بازرسیها آشکار می‌گردد و سپس اقدامات اساسی و پیگیر برای رفع آنها انجام می‌شود، با اجرا نشدن این فعالیتها کاستیها و نواقص یگان‌ها در ابعاد مختلف سیر صعودی را پیمود و زمینه کاهش آمادگی رزمی در یگان‌ها را فراهم نمود.

ث - لغو سفارش‌های تسلیحاتی و کاهش بودجه دفاعی از اوایل ۶ ماهه دوم سال ۱۳۵۷
- در مهر ۱۳۵۷ روزنامه کیهان در این مورد نوشت: «ایران قصد دارد در بودجه برنامه‌های دفاعی کاهش شدیدی را اعمال نماید تا بتواند حقوق کارمندان اعتصابی دولت و خسارات اقتصادی ناشی از ۹ ماه ناآرامی سیاسی در کشور را جبران کند.

«سیستم رادارهای پرنده هشداردهنده (آواکس) از آمریکا، شش فروند زیر دریایی ساخت آلمان فدرال و یک هزار تانک چیفتن ساخت انگلستان لغو خواهد شد.»
- وزارت دفاع آمریکا در دهم بهمن ماه ۱۳۵۷ اعلام کرد که به علت رکود اقتصادی، دولت ایران قصد دارد که خریدهای تسلیحاتی خود را از آمریکا که بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار بود کاهش دهد.

- روزنامه‌های تهران در این باره نوشتند: «به دنبال مذاکرات مقامهای دولت ایران با یک مقام عالی رتبه پنتاگون و ژنرال هایزر، سفارشیهای دوازده میلیارد دلاری ایران به آمریکا شامل ۱۶۰ فروند هواپیمای اف - ۱۶، چهار فروند رزم ناو، هفت فروند هواپیمای مجهز به رادار آواکس و مقادیری مهمات، موشک و وسایل مخابراتی لغو می‌شود.»
ناگفته نماند که دولت ایران معادل ۶۰ میلیارد دلار در آمریکا سپرده نقدی داشت و پرداختهای جاری به فروشندگان تسلیحات آمریکایی از این ذخیره ارزی صورت می‌گرفت. دولت آمریکا اعلام کرد که در صورت لغو قراردادهای خرید تسلیحات از سوی ایران هزینه‌های مربوط از این ودیعه برداشت خواهد شد.

- در بهمن ماه ۱۳۵۷ دولت ایران به انگلستان اطلاع داد که قصد دارد قرارداد ۵۰۰ میلیون لیره استرلینگ خرید تسلیحات نظامی از جمله تانک‌های چیفتن را لغو کند.
با لغو قراردادها جایگزینی کسورات یگان‌ها و تکمیل کمبودهای یگان‌های جدید التأسیس میسر نگردید و افزایش قدرت رزمی متوقف شد و عملاً مبالغ قراردادهای فسخ شده و سپرده‌های نقدی به ایران پس داده نشد.

۲. حوادث پس از پیروزی انقلاب اسلامی

بررسی انقلاب‌ها در جهان نشانگر این است که انقلابیون چه در روند شکل‌گیری انقلاب و براندازی رژیم حاکم و چه پس از کسب پیروزی و برپایی یک نظام جدید تا مدت‌ها ناگزیر از مقابله و درگیری و رزم با عناصر نیروهای مسلح وابسته به رژیم قبلی بوده‌اند که مستقیماً و یا در کنار سایر عناصر و گروه‌های ضد انقلاب به جنگ و رویارویی با انقلاب برمی‌خیزند اما بدنه مردمی ارتش ایران به‌جای رودر رو قرار گرفتن با انقلابیون به دفاع از انقلاب و مقابله با

گروهکهای ضد انقلاب (تجزیه طلبان داخلی) برخاست و نیروهای مردمی را در حفظ و حراست دستاوردهای انقلاب در کنار خود گرفت و چون گروهکهای ضد انقلاب یگانهای سازمان یافته ارتش را سد راه وصول به اهداف خود می‌دیدند لذا در جهت تضعیف و انحلال ارتش قیام نمودند و با بهره‌گیری از عوامل نفوذی خود در سازمانهای دولتی و یگانهای ارتش بیشترین آسیب‌ها را به ارتش وارد نمودند، در حالی که سران رژیم حاکم از بقاء و موجودیت ارتش پشتیبانی می‌نمودند. در بررسی هر یک از عوامل زیر که تضعیف قدرت رزمی ارتش را به همراه داشت دست ضد انقلاب در آستین هر یک از آنها آشکار می‌گردد.

الف - کاهش استعداد پرسنلی یگان‌ها

۱. تقلیل خدمت وظیفه از دو سال به یک سال، در حالی که ۶۰ درصد استعداد پرسنلی ارتش را پرسنل وظیفه تشکیل داده بود با ترخیص ۵۰ درصد پرسنل وظیفه استعداد پرسنلی یگان‌ها به کمتر از ۷۰ درصد کاهش یافت.

۲. رهایی از خدمت پرسنل کادر به صورت بازنشسته، بازخرید، استعفاء، پاکسازی، اخراج با تمایل شخصی و یا در اثر اعمال نظر اشخاص مغرض.

۳. انتقالات بی رویه، بدون جانشین همتراز از یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی به ویژه یگان‌های مستقر در مناطق مرزی (لشکرها ۸۱، ۹۲ زرهی و ...) به یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی، آموزشی و یا به سازمانهای غیر ارتشی در موطن اصلی خود و یا در محل مورد دلخواه در حالی که فرماندهان قادر به مخالفت با این قبیل درخواستها نبودند.

ب - پایین آمدن سطح انضباط در یگان‌ها

افزایش غیبت و فرار پرسنل، تمرد و عدم اطاعت از سلسله مراتب فرماندهی و خواسته‌های غیر منطقی که قبلاً به آن دست پیدا نکرده بودند.

پ - تعویض غیر اصولی فرماندهان واجد شرایط

توسط زبردستان و انتصاب فرماندهانی که فاقد شایستگی و توان مدیریت و تخصص و دانش در هدایت و رهبری یگان‌ها بودند، که حاصل آن پاشیده شدن شیرازه یگان‌ها و از بین رفتن سلسله مراتب فرماندهی بود.

ت - تشکیل شوراها در یگان‌ها و شعار ارتش بی طبقه توحیدی از اوایل سال ۱۳۵۸

رهبر کبیر انقلاب که با درایت خاص خودشان متوجه نیات شوم استکبار که از زبان عناصر فریب خورده یا ناآگاه بیرون می‌آمد شده بودند و اطمینان داشتند که دشمنان چگونه می‌خواهند تاروپود ارتش را از هم بپاشند. در ۱۳۵۸/۱۰/۱۶ موقعی که نمایندگان درجه داران ارتش برای تصویب طرح شورا و طرح ایجاد ارتش بی‌طبقه توحیدی به حضورشان می‌رسند و خواسته‌های خود را مطرح می‌نمایند در پاسخ می‌فرمایند:

«تصفیه باید بشود ولی زمان می‌خواهد، شما خود سرانه تصفیه نکنید، که هرج و مرج می‌شود این همان چیزی است که خارجیان بخصوص آمریکاییها می‌خواهند. آنها می‌خواهند مملکت را به نیستی بکشند و تبلیغات منفی می‌کنند تا ثابت کنند ما قیم می‌خواهیم سعی کنید جلو کار آنها را بگیرید و روی پای خودتان بایستید، طوری رفتار نکنید که آنها تبلیغ کنند که ارتش، ژاندارمری، شهربانی و خلاصه قوای مملکت از هم پاشیده شده، خواهش می‌کنم برای رضای خدا، استدعا دارم این ارتش را نگه دارید و از هرج و مرج جلوگیری کنید.»

ث - شایعه انحلال ارتش

توسط ضد انقلاب و عناصر مغرض که زمینه‌های بلاتکلیفی و کاهش شدید روحیه پرسنل کادر ارتش را فراهم نمود. باز هم فرمان رهبر کبیر انقلاب شایعات را خنثی و بی‌اثر می‌نماید: «مردم ارتش را یاری و تقویت کنید. آنکه می‌گوید ارتش باید منحل شود منافق است؛ ارتش باید بماند.» و لذا با رهنمودهای حکیمانه امام، ارتش برای صیانت از انقلاب و دفاع از کشور حفظ گردید و نیات پلید استکبار و دشمنان انقلاب نقش بر آب شد اما فشار نیروهای ضد انقلاب روی ارتش با هدف فروپاشی آن کماکان ادامه داشت.

ج - جوّبی اعتمادی به پرسنل کادر ارتش

به ویژه افسران و به خصوص بعد از کودتای نافرجام نوژه در تیرماه ۱۳۵۹ و لذا سیستم فرماندهی در نیروی زمینی و هوایی با برکنار شدن و دستگیری اکثر فرماندهان در یگان‌های بزرگ از هم پاشید (تعویض فرمانده لشکر ۹۲ زرهی و سه فرماند تپ آن و....)، جابه‌جایی یگان‌ها در رده‌های مختلف برای مقابله با بحرانهای داخلی و خارجی با مشکلات مواجه گردید، در حالیکه قراین و شواهد تجاوز عراق در غرب کشور آشکار می‌گردید و بالاخره انحلال لشکر ۱ پیاده و ادغام آن با لشکر ۲ پیاده و تشکیل لشکر ۲۱ پیاده حمزه در ۱۳۵۹/۶/۱۲ یعنی ۱۹ روز قبل از تهاجم ارتش عراق در همین راستا صورت گرفت.

چ - غارت و تاراج وسایل و تجهیزات پاره‌ای از یگان‌ها

در پادگانها به‌دست مخالفان، گروهکهای ضد انقلاب و عناصر نا آگاه که ضمن تضعیف یگان‌ها، از جنگ افزارهای غارت شده بر علیه یگان‌های ارتش و نیروهای مردمی که برای آرام سازی مناطق آشوب زده و برقراری امنیت وارد عمل می‌شدند به‌وسیله ضدانقلاب استفاده می‌شد.

ح - ایجاد آشوب و ناامنی

ایجاد آشوب و ناامنی در شهرهای مختلف از اولین روزهای انقلاب و تمرکز آن در استانهای مرزی آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه توسط گروهکهای مسلح غیر قانونی و ضدانقلاب که دولت عراق و استکبار جهانی آنها را پشتیبانی می‌کردند. علی‌رغم وضعیت بحرانی و خردکننده‌ای که ارتش با آن مواجه بود، به محض اینکه امنیت ملی کشور تهدید شد پرسنل ارتش بنا به اعتقاد به اهداف انقلاب اسلامی و علایق میهن پرستی و به منظور جلوگیری از تجزیه کشور، حفظ و صیانت از انقلاب و تأمین امنیت ملی مردانه وارد کارزار شد و هنوز یک ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که یگان‌های نیروی زمینی ارتش به تدریج در جبهه ای گسترده در غرب کشور با ضد انقلاب درگیر گردید و لشکرهای ۲۸ و ۶۴ پیاده، تپ‌های ۳۰ پیاده و ۲۳ نوهده به طور کامل، بیش از دوسوم لشکر ۱۶ زرهی، بیش از یک سوم لشکر ۸۱ زرهی، شش گردان پیاده، تعدادی یگان‌های غیر سازمانی داوطلب و تعدادی

آتشبار توپخانه از سایر قرارگاه‌های عمده در حالی که هر گردان از سر جمع یک تیپ و هر آتشبار از سر جمع یک گردان توپخانه سازماندهی و اعزام می‌شد، در پایگاهها مستقر گردیدند. در واقع بیش از ۵۰ درصد قدرت رزمی نیروی زمینی در مناطق آشوب زده درگیر شدند و یگان‌های باقی‌مانده به سبب کسورات بیش از حد فاقد کارآیی رزمی بودند و کمتر جنگ افزار اجتماعی از خدمه کامل و واجد شرایط برخوردار بود.

خ - تجاوزات مرزی و تهدید پاسگاههای ژاندارمری:

در حالی که تجاوزات مرزی و نقض حریم هوایی در طول سال ۵۸ با تهاجم به پاسگاهها و آبادیهای مرزی ادامه داشت، در سال ۱۳۵۹ از شدت بیشتری برخوردار گردید (بیش از ۴۵۰ مورد تجاوز زمینی و بیش از ۱۸۰ مورد نقض حریم هوایی)، لذا برای تقویت پاسگاههای ژاندارمری، یگان‌هایی از لشکرهای ۸۱ و ۹۲ زرهی اعزام گردیدند. این یگان‌ها به صورت گروهان، دسته، رسد، گروه و حتی قبضه توپ، تانک و خمپاره در هر پاسگاه و در فواصل دور از هم مستقر شدند و تشکل سازمانی یگان‌های مأمور متلاشی گردید و این وضعیت تا آغاز تهاجم ارتش عراق ادامه یافت. درحالی که یگان‌های ارتش با این بحرانیها دست به گریبان بودند، اجرای آموزشهای مصوبه، انجام اعمال سرویس و نگهداری وسایل و تجهیزات و اجرای بازرسیهای فرماندهی و ستادی نیز در تمامی یگان‌ها به بوته فراموشی سپرده شده بود و لذا قبل از شروع تهاجم ضمن کاسته شدن قدرت رزمی، یگان‌ها فاقد کارآیی رزمی بودند.

گزارش لشکر ۹۲ زرهی به نیروی زمینی (پانزده روز قبل از جنگ) مؤید گفتار بالا است: (۳)
- کمبود افسر کادر ۳۸۲ نفر و افسر وظیفه ۲۵۳ نفر (جمعاً ۶۳۵ نفر)، کمبود درجه دار کادر ۳۰۰۸ نفر و درجه دار وظیفه ۲۳۸۲ نفر (جمعاً ۵۳۹۰ نفر) و کمبود سرباز وظیفه ۴۸۹۴ نفر جمع کسورات پرسنلی لشکر ۱۰۹۱۹ نفر.

- تعمیری بودن حدود ۴۰ درصد خودروهای شنی دار و ۵۰ درصد خودروهای چرخدار.

- اکثر خودروها و جنگ افزارها به علت کسر خدمه قابلیت رزمی ندارند.

- پایین بودن کارآیی رزمی پرسنل موجود به سبب عدم اجرای آموزشهای مصوبه.

در حالی که وضعیت سایر قرارگاه‌های عمده اگر بدتر از این لشکر نبود بهتر از آن هم نبود. چند سند و گفتار دشمنان انقلاب اسلامی مؤید موارد بالا در کاهش قدرت رزمی ارتش می‌باشد.

۱. گزارش سفارت آمریکا در بهار ۱۳۵۸ به وزارت امور خارجه آمریکا (۴)
«در حال حاضر ارتش ایران یک مفهوم ذهنی است تا یک واقعیت خارجی. در وضعیت موجود، ارتش ایران قادر نیست یک عملیات منسجم و اساسی را برای دفاع از کشور هدایت نماید.»

۲. اسناد سفارت آمریکا در ایران

که پس از تسخیر لانه جاسوسی به دست آمد اشاره دارد که: (۵)
«لغو قراردادهای تسلیحات مدرن نظامی که برای سازماندهی و تکمیل سازمان و آمادگی رزمی یگان‌ها ضرورت داشت هر چند در کوتاه مدت اثری روی توانایی‌های رزمی ارتش ایران نمی‌گذارد اما از اواسط سال ۱۹۸۰ (تیرماه ۱۳۵۹) توانایی‌های رزمی ارتش ایران را به نسبت توانایی‌های رزمی ارتش عراق به شدت کاهش خواهد داد.»
در واقع با توجه به کودتای نوژه در تیرماه ۱۳۵۹، سفارت آمریکا حدود تاریخ حمله عراق به ایران را مشخص می‌نماید.

۳. وزیر امور خارجه عراق (طارق عزیز) در تابستان ۱۳۵۹ اظهار می‌نماید:
(۶) «امروز ارتش ایران از هم پاشیده است. وجود پنج ایران کوچک‌تر، بهتر از یک ایران واحد خواهد بود، ما از شورش ملت‌های ایران پشتیبانی خواهیم کرد و سعی خود را متوجه تجزیه ایران خواهیم نمود.»

۴. صدام حسین در کنفرانس سران عرب
در طائف عربستان سعودی در مردادماه ۱۳۵۹ می‌گوید: «حمله به ایران برای ارتش قهرمان عراق بیش از یک تفریح نظامی نیست.»

بررسی اجمالی وضعیت ارتش عراق قبل از تهاجم

در حالی که در همین دوره زمانی یعنی از اوایل شهریور ماه ۱۳۵۷ تا اواخر شهریور ماه ۱۳۵۹ استعداد پرسنلی ارتش ایران به ۱۹۵ هزار نفر و قدرت رزمی آن به کمتر از ۵۰ درصد کاهش پیدا کرد و بیش از ۵۰ درصد آن نیز برای آرام سازی و برقراری امنیت در مناطق آشوب زده درگیر بود و بقیه یگان‌ها نیز به سبب نقصان آموزش و عدم اجرای سرویس و نگهداری فاقد کارایی رزمی بودند. ارتش عراق در همین دوره زمانی و قبل از آن در تلاش برای توسعه آموزش، تحکیم میانی انضباط، تکمیل یگان‌های موجود و تشکیل یگان‌های جدید برای افزایش قدرت رزمی بود:

۱. علاوه بر افزایش استعداد پرسنلی از ۱۶۰ هزار نفر به ۲۲۰ هزار نفر، بیش از ۸۰ هزار نفر نیروهای ذخیره و احتیاط را احضار نمود.
۲. با افزایش بودجه دفاعی بیش از ۳۲ میلیارد دلار تسلیحات نظامی مدرن از کشورهای مختلف خریداری کرد. (۷)
۳. تعداد تانک‌ها را به ۲۵۰۰ دستگاه، تعداد هواپیماهای جنگنده را به ۳۰۰ فروند و تعداد هلی‌کوپترها را به ۴۰۰ فروند افزایش داد.
۴. علاوه بر تجدید سازمان و جایگزین کسورات ده لشکر قبلی (پنج لشکر پیاده، دو لشکر مکانیزه و سه لشکر زرهی) دو لشکر زرهی، پنج تیپ مستقل (سه تیپ نیروی مخصوص، یک تیپ مکانیزه و یک تیپ زرهی) و ۲۵ تیپ پیاده احتیاط و گارد مرزی جدید تشکیل و سازماندهی نمود.
۵. متن مصاحبه صدام حسین با رسانه‌های خبری که در ۳۱ تیرماه ۱۳۵۹ در روزنامه السیاسه درج گردید وی درباره تقویت قدرت رزمی ارتش عراق می‌گوید: (۸)
«اکنون ما نیروی نظامی کامل برای بازپس گرفتن سه جزیره عربی اشغال شده توسط ایران را فراهم کرده‌ایم و بر خلاف تصور عده‌ای ما از هنگام اشغال این جزایر در مارس ۱۹۷۵ (اسفندماه ۱۳۵۳) نه سکوت کردیم و نه دچار رخوت و سستی شده‌ایم بلکه از آن زمان توان و قدرت نظامی خود را در مدت ۷ سال افزایش داده‌ایم.»

آغاز بحران و اعلام جنگ از سوی عراق

- روزنامه کریستین ساینس مانیتور بر اساس اطلاعات به دست آمده از جلسات محرمانه سران حزب بعث که منجر به صدور بخشنامه‌ای شدو به دست محافل خبری در بیروت افتاد می‌نویسد: (۹)

«با سقوط نظام شاهنشاهی و در هم پاشیدن ارتش، ایران قادر به اجرای نقشی که تاکنون به عهده داشت نخواهد بود و تنها کشوری که می‌تواند خلا، موجود را در مسائل امنیت خلیج فارس پر کند عراق است.»

- نشریه فیگارو در مورد ملاقات برژینسکی (مشاور امنیت ملی امریکا) با صدام حسین در مرز دو کشور عراق و اردن در تیرماه ۱۳۵۹ می‌نویسد: (۱۰)

«امریکا با آرزوی عراق در مورد شطالعرب (اروند رود) و احتمالاً برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه مخالفتی نخواهد کرد و از او حمایت خواهد نمود.»

- اقدامات عراق در تجهیز عناصر ضد انقلاب در خوزستان و تشدید درگیریهای مسلحانه در استانهای مرزی به ویژه در خوزستان و تلاشهای گسترده منافقین برای سازماندهی تظاهرات وسیع در نخستین روز بازگشایی مدارس در اول مهرماه ۱۳۵۹ (آغاز تجاوز) این امیدواری را برای سران عراق ایجاد کرده بود که در تهاجم سراسری از پشتیبانی مردمی در ایران برخوردار و با مقاومت عمده‌ای مواجه نخواهند شد. (۱۱)

در همین رابطه روزنامه لوموند چاپ فرانسه می‌نویسد: (۱۲)

«قرار بود که همزمان با تهاجم نیروهای عراقی، در داخل ارتش ایران و نیروهای مردمی شورش و اغتشاشاتی پدید آید.»

- ثبات سیاسی در عراق، روابط دوستانه با کشورهای همسایه، دسترسی مداوم به تسلیحات نظامی مدرن بلوک غرب و شرق، برخورداری از ذخایر مالی و اعتبار کافی، حمایت مالی از کشورهای عضو همکاری خلیج فارس و پشتیبانی نظامی محدود مصر و اردن اطمینان خاطر برای سران عراق فراهم نموده بود. (۱۳)

- با تقلیل قدرت بازدارندگی ارتش ایران و افزایش قدرت نظامی عراق و اطمینان از فراهم شدن زمینه‌های بالا و دریافت چراغ سبز از امریکا سران کشور عراق هجوم سراسری

به کشور ایران را در دستور کار خود قرار دادند و در همین راستا در بیستم شهریورماه ۱۳۵۹ حرکت یگان‌های دشمن به سمت مناطق مرزی آغاز گردید.

- با آشکار شدن قرائن و شواهد تک قریب الوقوع دشمن نیروی زمینی ارتش دستور اجرای طرح پدافندی ابوذر را صادر و لشکر ۸۱ زرهی با یگان‌های موجود و یک گروه رزمی پیاده از تیپ ۸۴ خرم آباد در استان کرمانشاه و ایلام و لشکر ۹۲ زرهی و گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز در استان خوزستان برای سد پیشروی متجاوز در معابر وصولی حساس موجود در مناطق مربوطه مستقر شدند. هفت گروه رزمی گردانی از لشکرهای ۲۱ و ۷۷ پیاده و بقیه تیپهای ۸۴ پیاده خرم آباد و ۳۷ زرهی شیراز و باقیمانده گروه‌های توپخانه حداکثر امکانات نیروی زمینی بود که بلادرنگ دستور حرکت آنها برای تقویت لشکرهای مأمور پدافندی در مناطق عملیاتی صادر گردید.

- صدام حسین در ۲۶ شهریورماه ۱۳۵۹ با بیان نکات زیر به ایران اعلام جنگ نمود: (۱۴)

۱- قرارداد الجزایر مردود است.

۲- کلیه آبراه شط‌العرب (اروند رود) جزو آبهای ساحلی عراق است.

۳- آنچه را که برابر قرارداد الجزایر لازم است به ایران واگذار شود نخواهیم داد و آنچه را

که بایستی می‌گرفتیم با زور خواهیم گرفت.

وضعیت نیروهای دوطرف در صحنه‌های نبرد

۱. منطقه شمال غرب (استانهای آذربایجان غربی، کردستان و قسمتی از استان کرمانشاه)

الف - دشمن: سپاه یکم بیش از دو لشکر (لشکر ۷ پیاده، لشکر ۱۱ پیاده منهای یک تیپ و تعدادی تیپهای احتیاط و گارد مرزی) به منظور تصرف ارتفاعات مرزی، پشتیبانی از گروهکهای ضد انقلاب و جلوگیری از رهایی نیروهای ایرانی که در مأموریت آرام‌سازی بودند.

ب - خودی: بیش از ۵۰ درصد یگان‌های نیروی زمینی ارتش، نیروهای سپاه پاسداران و نیروهای مردمی که در پایگاهها برای آرام‌سازی و برقراری امنیت مستقر بودند.

۲. منطقه غرب (صحنه عملیات کرمانشاه و ایلام) از باویسی (شمال قصر شیرین) تا جنوب مهران (۲۳۰ کیلومتر)

الف - دشمن: بیش از ۶ لشکر (لشکرهای ۲، ۴، ۸ پیاده و ۶ و ۱۲ زرهی و تیپهای مستقل ۳۲ نیروی مخصوص و ۱۰ زرهی و تعدادی تیپهای احتیاط و گارد مرزی) به منظور تصرف شهرهای سرپل ذهاب و گیلان غرب و ارتفاعات حساس منطقه در غرب این دو شهر (پاطاق، قلاجه و...)

ب - خودی: حدود یک لشکر شامل لشکر ۸۱ زرهی منهای یک تیپ و سه گروه رزمی گردانی پیاده از سایر قرارگاه‌های عمده (یک گروه رزمی از تیپ ۸۴ پیاده و دو گروه رزمی از لشکر ۷۷ پیاده).

۳. منطقه جنوب (صحنه عملیات خوزستان) از چیلان تا شلمچه (۳۴۸ کیلومتر)

الف - دشمن: بیش از ۶ لشکر (لشکرهای ۱ و ۵ مکانیزه و ۳ و ۹ و ۱۰ زرهی و تیپهای مستقل ۳۱ و ۳۳ نیروی مخصوص و گارد جمهوری و چندین تیپ پیاده، احتیاط و گارد مرزی) به منظور تصرف استان خوزستان و رسیدن به سواحل خلیج فارس.

ب - خودی: بیش از یک لشکر شامل لشکر ۹۲ زرهی و شش گروه رزمی گردانی از سایر قرارگاه‌های عمده (گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز، دو گروه رزمی پیاده از لشکر ۲۱ حمزه و دو گردان پیاده و یک گروه رزمی تانک از لشکر ۷۷ پیاده)

در ارزیابی توان رزمی نسبی دوطرف از نظر عوامل فیزیکی (یگان‌های رزمی، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی) و عوامل غیر فیزیکی (روحیه، انضباط، آموزش، لجستیک، رهبری نظامی و...) و عوامل مؤثر بر توان رزمی (زمین، سد موانع، اطلاعات و حفاظت اطلاعات و...) برتری مطلق نیروی دشمن ملاحظه می‌گردد و لذا برای طراحان نظامی و مسئولان کشور عراق تصرف اهداف بزرگ، سهل الوصول و در کوتاه مدت دور از انتظار نبود و به همین لحاظ حمله نظامی به ایران برای ارتش عراق تفریح نظامی قلمداد می‌شد.

آغاز تهاجم ارتش عراق به ایران اسلامی

در ساعت ۱۲۳۰ روز ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) بر خلاف همه موازین بین‌المللی و روابط حسن همجواری، ارتش عراق تهاجم خود را با ۱۹۲ فروند هواپیمای شکاری بمبافکن برای بمباران پایگاههای هوایی، فرودگاهها و مراکز حساس و حیاتی کشور آغاز نمود. صدام و افسران بلند پایه ارتش او در مرکز فرماندهی واقع در پادگان وزارت دفاع حضور داشتند، وزیر دفاع عراق سپهبد عدنان خیرالله (برادر زن صدام) به صدام می‌گوید: «سرورم! جوانان ۲۰ دقیقه قبل به پرواز در آمدند» صدام که در حال و هوای جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل بود در جواب می‌گوید: «پس از نیم ساعت کمر ایران خواهد شکست.» این نیم ساعت و این تصور شش روز جنگ به هشت سال جنگ خونین انجامید. (۱۵) در سپیده دم روز اول مهرماه ۱۳۵۹ آفند زمینی ارتش عراق در سرتاسر نوار مرزی آغاز گردید. (نقشه‌های شماره ۱ و ۲)

اولین سال جنگ تحمیلی با فراز و نشیبهای فراوان همراه بود. ابتدا رزمندگان اسلام در اکثر جبهه‌ها با دفاع سرسختانه موفق شدند از دستیابی یگان‌های ارتش عراق به اهداف از پیش تعیین شده خود جلوگیری نمایند. سپس پیشروی متجاوزان را در سرتاسر جبهه‌ها سد نمودند و نهایتاً با انجام اقداماتی در جهت افزایش قدرت رزمی و اجرای تکه‌های محدود در مناطق مختلف عملیاتی زمینه را برای اجرای عملیات آفندی گسترده فراهم کردند. بیان حوادث و جریان نبرد در طول یکسال در سرزمینهای گسترده توسط یگان‌های مختلف مدت زمان طولانی نیاز دارد تا حق مطلب ادا گردد. در این کتاب مهم‌ترین حوادث در سه مقطع زمانی تشریح و بررسی می‌گردد:

– از آغاز تهاجم تا پایان روز ششم مهر ماه ۱۳۵۹

– از هفتم مهرماه تا بیست و شش آبان ماه ۱۳۵۹

– از ۲۶ آبان‌ماه (تثبیت نیروهای دشمن) تا پایان اولین سال جنگ

۱- وضعیت صحنه‌های نبرد از آغاز تهاجم تا پایان روز ششم مهرماه

در شش روز اول جنگ عناصر قلیل ارتش در شرایط بسیار ناگوار فرماندهی و کنترل که از حداقل آمادگی و کارایی رزمی برخوردار بودند، با کمک نیروهای مردمی به چنان مقاومت دلیرانه‌ای در مقابل دشمن دست زدند که دستاوردهای متجاوز بسیار ناچیز و نیروهای دشمن در اکثر جبهه‌ها از ادامه پیشروی باز ماندند و حالت دفاعی اتخاذ نمودند و سران کشور عراق قطعنامه ۴۷۹ شورای امنیت را که در ششم مهرماه ۱۳۵۹ (۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰) مبنی بر آتش بس و حل اختلافات از طریق مذاکره صادر گردید پذیرا شدند. (۱۶) چرا؟

آیا ارتش عراق به اهداف خود رسیده بود؟ در این صورت پنجاه روز تلاش بعدی برای ادامه پیشروی به چه منظور بود؟ پس قطعاً مسئولان کشور عراق به اشتباه خود در طرح‌ریزی و به‌خصوص در ارزیابی انگیزه پرسنل ارتش و فداکاری مردم قهرمان ایران اسلامی پی برده بودند، آنها نه تنها میزان مقاومت نیروهای ارتش و حضور گسترده مردم را نادیده گرفته بودند بلکه انتظار شورش در یگان‌های ارتش و اغتشاش مردم بومی و محلی را داشتند ولی در عمل برخلاف تصور آنها در این چند روز رزمندگان اسلام علاوه بر دفاع سرسختانه، آینده‌های متقابلی را در هوا و زمین و دریا به اجرا گذاشتند که برای سران کشور عراق غیر قابل تصور بود.

الف - نیروی هوایی ارتش ایران که همانند نیروی زمینی در اثر رویدادهای قبل و بعد از انقلاب و به ویژه کودتای نافرجام نوژه، دستخوش نابه‌سامانی شده بود. خلبانان شجاع با وجود محدودیت‌های فراوان، در ۳۱ شهریور ماه به فاصله دو ساعت پس از بمباران هواپیماهای عراقی دو پایگاه الرشید بغداد و شعیبه بصره را بمباران کردند و به دنبال آن در بامداد روز اول مهرماه با ۱۴۰ فروند هواپیمای شکاری بمب افکن اکثر پایگاه‌های هوایی و مراکز نظامی عراق را بمباران کردند.

ب - در دوم مهرماه آفند متقابل یگان‌هایی از تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی، عناصری از ژاندارمری و نیروهایی از سپاه پاسداران در منطقه میمک (استان کرمانشاه) اجرا گردید که ضمن وارد نمودن تلفات و خسارات به دشمن ۲۵ نفر اسیر و ۴ خودرو به غنیمت گرفته شد.

پ - در روز چهارم مهرماه یگان‌های نظامی و نیروهای مردمی، متجاوزان را از شهرهای سرپل ذهاب و گیلان غرب بیرون رانده و تا ارتفاعات غربی این دو شهر عقب راندند.

ت - در ششم مهرماه یگان‌هایی از تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد مستقر در دهلران، در منطقه عین خوش تک نموده و پاسگاه‌های نهر عنبر و ربوط را تصرف کردند و عقبه لشکر ۱۰ زرهی دشمن را مورد تهدید قرار دادند و لذا همین لشکر به جای عبور از رودخانه کرخه و ادامه پیشروی مجبور به دفع تهدید عقبه خود گردید.

ث - حجم آتش توپخانه باعث تلفات شدید در نیروهای عراقی، تلاش هوانیروز در وارد کردن تلفات و خسارات به یگان‌های زرهی عراق سنگین و حملات نیروی هوایی به اهداف پیش بینی شده بسیار مؤثر و کارساز بود. روزنامه جمهوری اسلامی در مورخه ۱۳۵۹/۷/۱۷ به نقل از روزنامه لوماتن چاپ فرانسه در مورد نیروی هوایی می‌نویسد «ورزیدگی و هوشیاری نیروی هوایی ایران تعجب همگان را برانگیخته است.»

ج - نیروی دریایی ارتش ایران به لحاظ برتری بالایی که در برابر نیروی دریایی عراق داشت با تحرکات آفندی در دریا عملاً عرصه را برای نیروهای عراقی محدود و نیروی دریایی عراق را در کانال خور عبدالله محبوس و تدارکات حمله به اسکله‌های البکر و الامیه را فراهم می‌نمود ضمن اینکه تفنگداران دریایی این نیرو رزمندگان اسلام را در نبردهای زمینی در خرمشهر و آبادان کمک و یاری دادند.

۲- وضعیت صحنه‌های نبرد از هفتم مهرماه تا ۲۶ آبان ماه

با پاسخ سران جمهوری اسلامی به قطعنامه شورای امنیت مبنی بر اینکه تا یک سرباز عراقی در ایران اسلامی حضور داشته باشد مذاکره ای انجام نخواهد شد، ارتش عراق ناگزیر به ادامه پیشروی گردید و چون امکان ادامه پیشروی در صحنه عملیات کرمانشاه - ایلام میسر نبود در این منطقه وضعیت پدافندی اتخاذ و اهم تلاش خود را در سه جبهه صحنه عملیات خوزستان متمرکز نمود.

الف - جبهه شمالی (غرب دزفول - شوش)

این منطقه به سبب موقعیت خاص جغرافیایی و نظامی برای مسئولان ارتش عراق اهمیت بسزایی داشت زیرا که با عبور از رودخانه کرخه:

۱- سه شهر بزرگ اندیمشک، شوش و دزفول اشغال می‌شد.

۲- پایگاه هوایی، پادگان نظامی و آمادگاههای صحرائی دزفول و دو کوهه تصرف می‌گردید.

۳- با کنترل پل حسینییه راه ارتباطی خوزستان از استانهای شمالی آن قطع و زمینه

جدا شدن این استان فراهم می‌گردید.

۴- شهر اهواز از طرف شمال آن محاصره می‌گردید.

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران برای حفاظت این منطقه حساس در سوم مهرماه ۱۳۵۹ دستور حرکت باقی‌مانده لشکر ۲۱ پیاده حمزه و لشکر ۱۶ زرهی که به تازگی از مناطق آشوب زده شمال غرب رها شده بود برای استقرار در منطقه عمومی دزفول صادر کرد. در حالی که حرکت و استقرار تدریجی یگان‌های دو لشکر در جریان بود، دشمن اهم تلاش خود را از هفتم تا دهم مهرماه در چهار روز متوالی برای عبور از رودخانه کرخه متمرکز ولی در اثر مقاومت نیروهای خودی موفقیتی به دست نیاورد. نیروی زمینی به منظور سلب ابتکار عمل از دشمن در ۱۳ مهرماه با اجرای آفند متقابل توسط یگان‌های تیپ ۲ زرهی دزفول و گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز با پشتیبانی آتش گروه ۵۵ توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی سر پلی به طول شش کیلومتر (از تپه خرولی تا رودخانه کرخه) و عمق سه تا پنج کیلومتر در غرب رودخانه کرخه در سرخه نادری تصرف کرد. در حالی که قسمت اعظم یگان‌های لشکر ۲۱ حمزه در مسیر راه روی قطار و در تهران منتظر حرکت بودند در اجرای امر در ۲۳ مهرماه لشکر با امکانات موجود به منظور توسعه سرپل متصرفی و عقب راندن نیروهای دشمن تک نمود. تعجیل در اجرای تک موجب گردید امکان رعایت اصول عملیات آفندی (شناسایی، کسب اطلاعات از دشمن و زمین، حفاظت اطلاعات، طرح ریزی در رده‌های فرماندهی و...) میسر نگردد و لذا موفقیتی حاصل نشد و در حالی که دشمن می‌توانست تلفات و خسارات سنگینی به لشکر وارد نماید با حسن تدبیر گروه فرماندهی لشکر در هدایت صحیح عملیات یگان‌های لشکر با حداقل تلفات و ضایعات از صحنه کارزار خارج و بلافاصله مسئولیت پدافند در منطقه

غرب دزفول - شوش (جبهه شمالی) را عهده‌دار گردید. ناگفته نماند سلب ابتکار عمل از دشمن، تحمیل تلفات و خسارات به نیروهای او و کسب زمان لازم برای استقرار یگان‌ها در منطقه و سازماندهی و آرایش مواضع دفاعی و طرح ریزی آتشیهای پدافندی در این منطقه از دستاوردهای ارزشمند این عملیات بود. با برقرار شدن آرامش نسبی در منطقه، نیروهای دشمن به منظور تکمیل مأموریت اولیه ادامه پیشروی را با لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی در دستور کار خود قرار دادند و در روز نهم آبان ماه لشکر ۱۰ زرهی به منظور تصرف سرپل غرب رودخانه کرخه و عبور از رودخانه و تصرف اهداف خود با اجرای ۱۰۵ دقیقه آتش تهیه، از ساعت ۰۵۴۰ حمله را آغاز و تا ساعت ۱۸۳۰ به مدت ۱۳ ساعت مداوم در شش مرحله و هر بار با یک یگان تازه نفس تک نمود. نبرد تن به تن بارها در طول روز در داخل سنگرها جریان داشت و نهایتاً در اثر مقاومت مدافعین لشکر ۲۱ حمزه مهاجمین با قبول ۸۰۰ کشته و بیش از ۱۰۰۰ زخمی و تحمل خسارات سنگین شکست را پذیرفتند و در زمینهای نامناسب و آسیب پذیر زمینگیر گردیدند. اظهارات اسرا و پناهندگان عراقی در این روز حاکی از این بود که فرمانده لشکر ۱۰ زرهی عراق (سرتیپ هشام صباح الفخری) در سخنرانی روز قبل اعلام نموده بود که با قبول ۶۰ در صد تلفات نهار را در دزفول صرف خواهیم کرد. تک لشکر ۱ مکانیزه نیز در همین روز در منطقه شوش توسط مدافعین لشکر ۲۱ حمزه سرکوب گردید.

ب - جبهه جنوبی (خرمشهر آبادان)

جنگ در خرمشهر به درازا کشید نیروهای مدافع شهر که از شلمچه تا پل نو مدت شش روز در مقابل دشمن مقاومت کرده بودند، با ورود نیروهای کمکی (منجمله ۷۳۱ نفر دانشجویان دانشکده افسری با ۴۱ نفر افسر و ۲۴ نفر درجه دار که در سه گردان با جنگ افزارهای انفرادی، تیربار و آرپی‌جی ۷ سازماندهی و در سوم مهرماه با هواپیما به خوزستان اعزام شده بودند) از پل نو تا پل خرمشهر - آبادان ۲۸ روز با متجاوزین کوچه به کوچه و خانه به خانه جنگیدند و بالاخره در چهارم آبانماه پس از ۳۴ روز نبرد خونین فقط قسمت شمالی خرمشهر به تصرف دشمن در آمد و قسمت جنوبی شهر در امتداد رودخانه کارون در کنترل نیروهای ایرانی باقی ماند، نیروهای عراقی اهم تلاش خود را برای تصرف آبادان و

قسمت جنوبی خرمشهر متمرکز نمودند و با بهره گیری از سرپلی که در ۱۹ مهرماه در شرق کارون در منطقه مارد در ۲۰ کیلومتری شمال آبادان اشغال نموده بودند در هشتم آبان ماه با توسعه سرپل و ادامه پیشروی سواحل شمالی بهمنشیر را تصرف و آبادان را محاصره و در شب نهم آبان ماه با احداث پل در منطقه ذوالفقاریه روی بهمنشیر از طریق نخلستانها وارد جزیره آبادان شدند و به جاده آبادان - خسروآباد رسیدند. در ساعت ۰۸۳۰ نهم آبان ماه رزمندگان ایران اسلامی اعم از ارتشی، سپاهی، و مردمی به نیروهای دشمن در منطقه ذوالفقاریه هجوم و در یک نبرد تن به تن و خونین نیروهای متجاوز را منهدم ساخته، پل احداثی دشمن را تخریب کردند و ۱۳۰ نفر عراقی را به اسارت گرفتند.

پ - جبهه میانی (سوسنگرد - اهواز)

سران ارتش عراق پس از عدم موفقیت در جبهه‌های شمالی و جنوبی تلاش خود را در جبهه میانی برای تصرف سوسنگرد و تهدید اهواز متمرکز نمودند. در ۲۴ آبانماه سوسنگرد از غرب، جنوب و شرق به محاصره کامل نیروهای عراقی در آمد و در ۲۵ آبان ماه از شرق و جنوب وارد شهر شدند و جنگ خیابانی و تن به تن آغاز گردید. روز ۲۶ آبان ماه یگان‌های ارتش (تیپ ۲ زرهی دزفول، گردان ۱۴۸ پیاده لشکر ۷۷)، یگانی از سپاه پاسداران و نیروهای شهید چمران از شرق به نیروهای متجاوز حمله کردند و با شکست حلقه محاصره وارد شهر شدند و با کمک نیروهای مردمی متجاوزان را در داخل شهر منهدم و یا وادار به فرار کردند و شهر سوسنگرد را آزاد نمودند.

رادیو کلن در مورخه ۱۳۵۹/۹/۲۰ در مورد استراتژی عراق اظهار می‌دارد: (۱۷)
«نظریه کارشناسان نظامی حاکی از این است که عراق امیدوار بود با تصرف شهر سوسنگرد شهر اهواز را با حملات موشکی و توپخانه‌ای تهدید نماید اما به نظر می‌رسد با مقاومت شدید نیروهای ایرانی و وارد کردن ضربات متقابل به نیروهای مهاجم و تلفات مالی و جانی شدید که نیروهای عراقی به خصوص در هفته‌های اخیر در حملات خود به شهرهای سوسنگرد و آبادان متحمل شده‌اند این امید عراق نیز تحقق نیافت.»

نتایج عملیات از آغاز تهاجم تا تثبیت نیروهای متجاوز

دستاوردهای ارتش عراق پس از ۵۶ روز نبرد در سرتاسر جبهه‌ها چه بود. به نظر می‌رسد در زمینه دستاوردهای نظامی بررسی اجمالی تلاش مدافعین جان برکف ایران اسلامی و تجزیه و تحلیل چند نوشته و سند حقایق را بهتر آشکار می‌سازد:

۱. یگان‌های ارتش با وجود نارسایی‌ها و کاستی‌های فراوان با کمک نیروهای مردمی در جنگی نابرابر در مقابله با نیروی کثیر و کارآزموده دشمن حماسه آفریدند و پیشروی متجاوزین را در اکثر مناطق سد و نیروهای او را در زمینهای نامناسب زمین گیر و از به‌وجود آمدن خونین شهرهای دیگر جلوگیری کردند.

۲. در صحنه عملیات کرمانشاه یگان‌های لشکر ۸۱ زرهی نیروهای متجاوز را در پشت دروازه‌های سرپل ذهاب و گیلان غرب وادار به توقف نمودند.

۳. در صحنه عملیات خوزستان یگان‌های لشکر ۲۱ پیاده حمزه با حفظ و نگهداری سرپل سرخه نادری مانع پیشروی ارتش عراق به سوی اهداف استراتژیک در شمال خوزستان و یگان‌های لشکر ۹۲ زرهی با کمک یگان‌هایی از لشکر ۷۷ و کمک و یاری سایر رزمندگان مانع سقوط سوسنگرد و آبادان گردیدند.

۴. آتشباری یگان‌های توپخانه، هجوم بالگردهای جنگنده هوانیروز و حملات هواپیماهای شکاری بمب افکن نیروی هوایی به متجاوزین تلفات و خسارات سنگین وارد نمود.

پس ساده اندیشی است اگر باور داشته باشیم، توقف ارتش عراق ناشی از وصول به اهداف پیش بینی شده برابر طرح ریزیهای قبلی خود بود. تجزیه و تحلیل کارشناسان نظامی نشانگر این است که ارتش عراق به جز تصرف ناتمام خرمشهر به هیچ‌کدام از اهداف خود دست نیافت و رویاهای سیاسی، نظامی و اقتصادی صدام حسین برای دستیابی به پیروزیهای سریع، بزرگ و سهل الوصول در ایران اسلامی به کابوسی هولناک تبدیل شد که ۸ سال از آن خلاصی نداشت. گرچه از اولین روزهای جنگ مردم مشتاقانه به یاری ارتش شتافتند و با روحیه شهادت طلبی پرسنل ارتش را به پایداری و مقاومت تشویق کردند و در پیروزی نهایی نقش اساسی داشتند، ولی در شروع جنگ این رزمندگان به سبب نداشتن تشکل سازمانی، آموزش نظامی و جنگ افزارهای اجتماعی فاقد کارآیی رزمی برای شرکت

در یک جنگ منظم بودند و نمی توانستند در سرنوشت کلی جنگ تأثیر قطعی داشته باشند، لذا رکن اصلی دفاع در سد پیشروی متجاوز یگان‌های ارتش بودند. تجزیه و تحلیل چند نوشته و گزارش از خبرگزاریها و اشخاصی که روابط حسنه‌ای با جمهوری اسلامی ایران نداشتند گفتار بالا را تأیید می‌نماید :

خبرگزاری رویتر (۱۸)

«اهداف عراق که تصرف خوزستان و تسلط بر منطقه خلیج فارس بود پس از دوازده روز جنگ و در گل ماندن ارتش عراق در خوزستان، کرمانشاه و ایلام احتمال به دست آوردن این اهداف بعید به نظر می‌رسد.»

روزنامه گاردین (۱۹)

«نیروهای عراقی اجباراً به یک جنگ بلند مدت کشیده شدند در حالیکه این موضوع در برنامه اولیه آنها لحاظ نشده بود و این به سبب نادرستی محاسبه آنها از میزان مقاومت رزمندگان ایران توأم با نوعی فریب خوردگی است که به تدریج سرعت یگان‌های ارتش عراق کاهش و در پاره‌ای موارد کاملاً متوقف ماند. صدام در استراتژی خود به شورش اعراب خوزستان متکی بود در حالیکه هیچ طغیانی از جانب آنها مشاهده نشد. آیا رئیس جمهور عراق دلایل منطقی برای توجیه شکست خود دارد.»

راديو آمریکا (۲۰)

«محافل سیاسی اتفاق نظر دارند که اگر عراق به سرعت بر ایران پیروز می‌شد رویای صدام که رهبری جهان عرب است محقق می‌گردید ولی الان امکان پیروزی کمتر شده و امکان وقوع فاجعه در عراق افزایش یافته است.»

اظهارات سرلشکر و فیک السامرائی (۲۱)

«لشکر ۱۰ زرهی به فرماندهی سرتیپ هشام صباح الفخری نتوانست تپه‌های نادری (خرولی، اسکندر خندان، سپتون و...) را برای عبور از رودخانه کرخه و فراهم ساختن مقدمات لازم برای قطع جاده اهواز - تهران و اشغال شهر دزفول و پایگاه هوایی تصرف نماید

و لشکر ۱ مکانیزه نیز موفق نشد در منطقه شوش از رودخانه کرخه عبور نماید. نیروهای ما در دشتها در حالتی که از شدت بمباران ایران جهنمی به وجود آمده بود زمین گیر شدند. نیروهای ایرانی به کارگیری توپخانه را به طور ماهرانه و در سطحی وسیع آغاز نمودند افسران دیده‌بان کار هدایت آتش را به خوبی انجام می‌دادند از این رو نیروهای ما در مواضع آشکار و شکننده به شدت کوبیده می‌شدند.»

مصاحبه رئیس جمهور وقت مصر (انورسادات) با مجله اشپیگل (۲۲)

«جنگ ایران و عراق را صدام به دلیل سوءاستفاده از روش تدافعی آمریکا آغاز کرده است. انگیزه صدام در جنگ ایران و عراق تسلط کامل بر شط العرب (اروند رود) و رهبری کامل منطقه بود. وی تصور می‌کرد ارتش ایران از بین رفته و ارتش عراق می‌تواند ظرف یک هفته پیروز شود، ولی امروز متوجه شده که در باتلاقی گرفتار آمده و سالها از آن بیرون نخواهد آمد.»

نوشته روزنامه ستاره سرخ مسکو (۲۳)

«رهبران عراق که تهاجم خود را در سطح وسیعی آغاز نمودند فکر می‌کردند که ارتش این کشور به سرعت پیشروی خواهد کرد. این محاسبات ظاهراً بر اساس تصویری که ارتش ایران به سبب نداشتن فرماندهی، نزول انضباط و نداشتن قطعات یدکی سلاحهای امریکایی، یارای مقاومت ندارد پایه‌گذاری شده بود. آنها چنین تصور می‌کردند که با شکست نظامی، رژیم ایران نیز دوام نیافته و قطعه قطعه خواهد شد؛ از نحوه پیشرفت در جبهه‌ها کاملاً روشن می‌گردد که نیروهای ایرانی همچنان سرسختانه بدون توجه به صدمات روزهای اول جنگ ادامه می‌دهند. هدف اعلام شده جنگ نیز در حال تغییر است ابتدا عراق مدعی بخش کوچکی از اراضی قسمت شرقی رودخانه شط العرب بود ولی اکنون مطبوعات عراق نقشه ای چاپ می‌کنند که در آن استان خوزستان که در بغداد به آن عربستان نام داده‌اند جزو سرزمین عراق محسوب می‌شود.»

اظهارات سرلشکر و فیک السامرائی (۲۴)

«اهداف نظامی عراق در جنوب اشغال شهر دزفول، استان اهواز و همچنین کرانه‌های شرقی شط‌العرب از جمله شهرهای خرمشهر و آبادان و سپس ادامه پیشروی به سمت ماهشهر و بستن بندر شاهپور (بندر امام) و تسلط بر آن بود، در این صورت اگر حکومت ایران ساقط نمی‌شد و این کشور تجزیه نمی‌گردید به تحمیل اراده عراق بر ایران منجر می‌شد.»

در خاتمه این بحث «بررسی اجمالی فعل و انفعالات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور عراق که عمدتاً به سبب تجاوز نظامی به ایران به وجود آمد خدمات ارزنده سران کشور عراق را دانسته یا ندانسته برای کمک در اجرای طرحهای دوبرد آمریکا و صهیونیسم جهانی در منطقه خاورمیانه آشکار و خیانت آنان را به ملت مملکت خود و سایر کشورهای منطقه مشخص می‌نماید ناگفته نماند تعدلی از این مشکلات مدلومت داشته و ممکن است تا سالیان بعد هم تدلوم داشته باشد:

- ۱- تحمل صدها هزار تلفات نیروی انسانی در عراق.
- ۲- هزینه ذخائر ارزی و بدهی‌های کلان (۳۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی در آغاز تجاوز و ۱۰۰ میلیارد دلار بدهی در خاتمه جنگ) به سبب دریافت کمک‌های مالی از کشورهای عرب منطقه و خرید تسلیحات نظامی از کشورهای بلوک غرب و شرق و رونق اقتصادی آنها.
- ۳- بدهکاری بابت غرامتهای جنگی که سالها گریبانگیر ملت عراق خواهد بود.
- ۴- فراهم نمودن زمینه حضور آمریکا در منطقه با ایجاد پایگاههای نظامی در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس برای حفاظت کشتیهای تجاری کویت.
- ۵- اشغال نظامی کویت به منظور توجیه شکست نظامی در ایران.
- ۶- حضور قدرتمند آمریکا در منطقه، راه اندازی جنگ خلیج برای آزادسازی کویت و بهره‌برداریهای اقتصادی و تعقیب اهداف سیاسی خود در منطقه.
- ۷- اشغال نظامی عراق توسط استکبار جهانی به دلایل واهی به منظور غارت ذخائر نفتی و ثروت ملی آن کشور.
- ۸- از بین رفتن امنیت مردم و توسعه فقر در ملت عراق.
- ۹- دخالت آشکار و بی‌مورد در اداره امور کشورهای منطقه.

۳- وضعیت صحنه‌های نبرد از متوقف نمودن نیروهای دشمن تا پایان اولین سال جنگ

الف - اقدامات دشمن پس از متوقف نمودن نیروهایش:

هنگامی که پیشروی یگان‌های متجاوز در سرتاسر جبهه‌ها متوقف و یگان‌های او در زمینهای نامناسب زمین گیر شدند دو راه کار برای دشمن وجود داشت:

۱. عقب نشینی از مناطق آسیب پذیر و استقرار در مواضع مناسب.

در این زمینه صدام می‌گوید: اگر بدون گرفتن امتیاز از کشور ایران به عقب برگردیم جواب ملت خود را چه بدهیم؟ به ملت بگوییم تمامی خونهای ریخته شده ارزان از دست رفته است. از طرف دیگر هرچقدر عقب نشینی کنیم آنها ما را تعقیب خواهند کرد و ما را مورد حمله قرار خواهند داد. عقب‌نشینی را ضعیفان، بی‌خردان و کسانی که سرزمین خود را دوست ندارند و به ملت خود علاقه‌مند نیستند انجام می‌دهند.

۲. ماندن در سرزمینهای فعلی و حفظ دستاوردهای خود به هر نحو ممکن و در صورت فراهم کردن شرایط مناسب تصرف جزیره آبادان.

لذا سران ارتش عراق اجباراً راه کار دوم را انتخاب کردند و اقدامات زیر را به مورد اجرا گذاشتند.

(الف) سازماندهی پدافند

ایجاد خاکریزهایی مطمئن و احداث موانع مصنوعی (میادین مین، کانالهای آب، موانع ضد تانک و سیم‌های خاردار)

(ب) پیش‌بینی برای تصرف آبادان

برای این منظور لشکر ۷ پیاده و تیپ ۳۲ نیروی مخصوص از زیر امر سپاههای ۱ و ۲ رها و با تکمیل سازمان آنها مبادرت به تمرینهای فشرده در زمین مشابهی در منطقه المسیب استان کربلا نمود (در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰ این یگان‌ها آمادگی لازم را برای اجرای مأموریت آفندی کسب کردند که با شروع تکه‌های محدود ارتش ایران اجباراً این نیروها در سایر مناطق به کار گرفته شدند و تصرف آبادان منتفی گردید.)

(پ) تشدید و توسعه پشتیبانی از فعالیت گروهکهای ضد انقلاب در استانهای آذربایجان غربی و کردستان به منظور جلوگیری از رهایی یگان‌های درگیر نیروی زمینی ارتش ایران در پایگاهها.

در همین راستا فعالیت ضد انقلاب از اوایل دی‌ماه ۱۳۵۹ شدت یافت و درگیریها تا ارتفاعات مجاور مریوان و شهر سقز توسعه پیدا کرد و لذا درگیری لشکرهای ۲۸ و ۶۴ پیاده و تیپهای ۳۰ پیاده و ۲۳ نوهده و قسمتی از یگانهای لشکر ۸۱ زرهی توسعه پیدا کرد. و رهایی یگانهای مأمور از سایر قرارگاههای عمده به منظور انسجام آنها تا پایان خرداد ماه به طول انجامید.

ب - اقدامات ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از متوقف ساختن متجاوز.

تکلیف رزمندگان اسلام کاملاً مشخص بود. باید ایران اسلامی از وجود متجاوزین عراقی پاک می‌شد. درحالی‌که حدود ۵۰ درصد یگانهای نیروی زمینی ارتش و اکثریت نیروهای سپاه پاسداران در استانهای آشوب زده درگیر مبارزه با ضد انقلاب بودند و بقیه یگانهای نیروی زمینی ارتش برای تثبیت دشمن در مواضع پدافندی مستقر شده بودند. در نتیجه نیروی مناسبی که قادر باشد متجاوزین را منهدم و سرزمینهای اشغالی را آزاد نماید وجود نداشت. کاربرد عجولانه لشکر ۱۶ زرهی تنها یگان آزاد و احتیاط نیز منطقی نبود، زیرا نه تنها تجربه تلخ حمله احساسی لشکر ۲۱ حمزه تکرار می‌شد در صورت عدم موفقیت برای مقابله با حوادث مناطق نبرد نیرویی در اختیار نبود ضمن اینکه اجرای آفند گسترده و کارساز مستلزم صرف زمان برای طرح‌ریزی دقیق، فراهم نمودن امکانات لازم و رعایت اصول عملیات آفندی بود و لذا تا فراهم شدن شرایط مناسب انجام اقدامات زیر در دستور کار ارتش قرار گرفت:

۱- نیروی زمینی

الف - سازماندهی پدافند

در همین راستا طرح پدافندی بدر، در اواخر آبان‌ماه ۱۳۵۹ صادر و یگانها در مناطق مربوطه با ایجاد خاکریزهای مناسب و احداث سنگرهای مورد نیاز مواضع پدافندی را آرایش تا ضمن تقلیل تلفات و ضایعات در مقابل آتشهای دشمن امکان دفع تکه‌های احتمالی متجاوز فراهم گردد و با طرح‌ریزی آتشهای پدافندی تلفات و خساراتی به نیروهای دشمن وارد گردد.

ب - افزایش قدرت رزمی

۱. تجدید سازمان و بازسازی یگان‌ها.

- تأمین کسورات پرسنلی با بکارگیری پرسنل بلا تکلیف، جذب مجدد تعدادی از پرسنل رها شده، افزایش خدمت افراد وظیفه از یک سال به دو سال و احضار خدمت منقضیهای سال ۱۳۵۶.

- تعمیر وسایل و تجهیزات باقیمانده در پادگانها، بازسازی وسایل آسیب دیده و جایگزین وسایل منهدم شده در حد امکان.

- آموزش و عملیاتی کردن ۸۰۰ دستگاه نفربر بی. ام. پی ۱ باقیمانده در پادگانها که در جریان انقلاب خریداری شده بود.

۲. انسجام قرارگاه‌های عمده.

برنامه ریزی برای رهایی یگان‌های متفرق و مأمور مستقر در مناطق آشوب زده شمال غرب و مناطق عملیاتی غرب و جنوب، و اختصاص آنها به قرارگاه‌های عمده اصلی که اجرای کامل این برنامه تا اواخر خرداد ماه سال ۱۳۶۰ ادامه پیدا کرد.

۳. تشکیل یگان‌های جدید.

اقدامات لازم با استخدام پرسنل، تولید و خرید وسایل و تجهیزات از خارج معمول و به تدریج تیپ‌های ۴۰ پیاده سراب، ۵۸ ذوالفقار و ۴ زرهی لشکر ۲۱ و همچنین ده گردان پیاده و گردان‌های توپخانه ۱۳۰ میلیمتری در کلیه قرارگاه‌های عمده و گروه‌های توپخانه تشکیل و عملیاتی گردید.

پ - طرح ریزی و اجرای عملیات ایذایی و تکهای محدود توسط کلیه یگان‌های در خط به منظور:

۱. نشان دادن عدم تحمل و عدم پذیرش اشغال سرزمینها توسط دشمن.

۲. بالا بردن روحیه و ایجاد انگیزه آفندی در پرسنل خودی.

۳. بهبود در وضعیت خطوط پدافندی با تصرف عوارض حساس و بهره‌برداری از مزایای

تاکتیکی آنها در عملیات آتی.

۴. وارد کردن تلفات و خسارات به دشمن، خسته و فرسوده کردن پرسنل او و از بین بردن روحیه و میل به جنگجویی نیروهای متجاوز.

گرچه پاره‌ای از فعالیت‌های بالا به طور همزمان اجرا می‌گردید، ولی انجام کامل آنها برای فراهم شدن شرایط برای وارد کردن ضربه اساسی به دشمن به تدریج و با مرور زمان امکان پذیر بود از طرفی بی تحرکی در جبهه‌ها مورد قبول مردم و مسئولان کشور نبود و مردم خواستار انجام یک عملیات آفندی کوبنده و سریع بودند و این درخواست به کرات در سخنرانیها و خطبه‌های نماز جمعه بیان می‌شد بالاخره شورای عالی دفاع در پاسخ به خواسته‌های مردم به نیروی زمینی دستور داد که در منطقه عمومی اهواز با اجرای عملیات تعرضی نیروهای دشمن را در منطقه کرخه کور و دب بردان که تهدیدی برای اهواز بودند منهدم نماید. در حالی که هنوز شرایط مناسب برای شروع عملیات آفندی گسترده فراهم نشده بود نیروی زمینی در اجرای دستور، لشکر ۱۶ زرهی (منهای تیپ ۲ زرهی) را از دزفول به اهواز اعزام و عملیات نصر در ۱۵ دی ماه ۱۳۵۹ اجرا گردید.

علیرغم دستاوردهای درخشان روز اول نبرد و انهدام یک تیپ مکانیزه دشمن، در اثر پاتک سنگین متجاوز از سه سمت در روز بعد، عملیات لشکر ۱۶ زرهی با عدم موفقیت روبرو شد.

به فاصله سه روز بعد از اجرای عملیات نصر در ۱۸ دی ماه ۱۳۵۹، فرمانده سپاه سوم عراق به سبب تمرکز امکانات ارتش ایران در منطقه اهواز، و تضعیف نیرو در غرب دزفول، به مواضع لشکر ۲۱ حمزه حمله کرد ولی در اثر سازماندهی مناسب پدافند و مقاومت یگان‌های لشکر تک دشمن دفع گردید و مجدداً اجرای فعالیتها برای فراهم کردن شرایط پیگیری گردید.

در آذرماه با اجرای آتشیایی ایدایی در منطقه عین خوش تلفات و خسارت سنگین به تأسیسات فرماندهی پشتیبانی لشکر ۱۰ زرهی عراق وارد گردید.

در اسفند ماه عملیات ایدایی و استقرار نیرو در منطقه رقابیه به سبب فراهم شدن امتیازات زیر مورد توجه قرار گرفت:

۱. با اجرای آتشیایی ایدایی تلفات و خساراتی به نیروهای دشمن در منطقه بستان

وارد می‌گردید.

۲. با استقرار نیرو در این منطقه جناح جنوبی دشمن در تپه‌های ابوصلیبی‌خات (تپه‌های رادار) تهدید می‌شد.

۳. دسترسی به ارتفاعات دوسلک (عقبه لشکر ۱ مکانیزه) از طرف غرب آن تسهیل می‌گردید و لذا یک گردان توپخانه ۱۳۰ میلیمتری با عناصر تأمینی در دشت چهیلا مستقر و با ایجاد آتشهای ایزدایی تلفات و خساراتی به دشمن وارد گردید. دشمن در چهارم و یازدهم اسفندماه هر بار یک گردان پیاده را هلی‌برن تا تهدید را خنثی نماید، ولی در اثر مقاومت عناصر تأمینی، یگان‌های دشمن با به‌جای گذاشتن تلفات و خسارات فرار کردند. بالاخره دشمن در سیزده اسفندماه با یک تیپ زرهی در امتداد تنگه‌رقابیه تک نمود، ولی با مقاومت سرسختانه نیروهای خودی و آتش سنگین گردان توپخانه که در ۴۸ ساعت بیش از ۴۸۰۰ گلوله شلیک نمود مواجه و متوقف گردید و نیروی زمینی در یک اقدام سریع نیروی مناسبی را در این منطقه مستقر و سپس تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی پدافند در منطقه را عهده دار شد و دشمن از اجرای هر گونه عملیات در این منطقه خودداری کرد.

از فروردین ماه ۱۳۶۰ تک‌های محدود با قاطعیت در تمام یگان‌ها به مورد اجرا گذاشته شد. با پانزده تک محدود و نیمه گسترده که در صحنه عملیات خوزستان و شش تک محدودی که در صحنه عملیات کرمانشاه توسط یگان‌ها در مناطق مربوطه اجرا شد کلیه اهداف پیش بینی شده در اجرای تک‌های محدود تأمین گردید و رزمندگان اسلام موفق شدند هفتصد نفر اسیر، بیش از ۲ هزار نفر کشته و تعداد کثیری زخمی به دشمن وارد و هفتاد دستگاه تانک و نفربر به غنیمت گرفته، دهها تانک و نفربر و خودرو منهدم، سه انبار مهمات منفجر و یک بالگرد دشمن را از بین بردند. اجرای تک‌های پی در پی و تحمیل تلفات به متجاوزین در تقلیل روحیه و از بین رفتن میل به جنگجویی پرسنل دشمن اثر به‌سزایی داشت به طوری که در نبردهای بزرگ بعدی تمایل نیروهای دشمن به اسارت مشهود بود از طرف دیگر تصرف هر تپه کوچک و هر خانه گلی از روستاهای اشغال شده روحیه آفندی را در پرسنل خودی افزایش می‌داد. ضمن اینکه تصرف عوارض حساس زمین، توسعه سرپل‌های موجود و اشغال سرپل‌های جدید نیروهای خودی را قادر می‌ساخت جناح و عقبه یگان‌های متجاوز را تهدید و در اجرای عملیات آفندی گسترده بعدی تسهیلات زیادی فراهم گردد.

ت - آماده شدن برای اجرای عملیات آفندی گسترده

برای بیرون راندن دشمن و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی هرچند که کلیه یگان‌های نیروی زمینی ارتش همچنان در مناطق عملیاتی در خطوط تماس و در مواضع پدافندی مستقر بودند، ولی با افزایش نسبی قدرت رزمی در اثر «تجدید سازمان یگان‌ها»، «انسجام قرارگاه‌های عمده»، «تشکیل یگان‌های جدید»، شکل‌گیری نسبی یگان‌های سپاه پاسداران و دست آوردهای تک‌های محدود زمینه‌های لازم برای اجرای عملیات آفندی گسترده فراهم گردید. لذا نیروی زمینی در اواخر خردادماه ۱۳۶۰ طرح عملیات آفندی ضربت را به یگان‌ها ابلاغ و در اجرای آن مقرر گردید، ضمن تداوم تک‌های محدود عملیات آفندی گسترده توسط هر لشکر در منطقه مربوطه طرح‌ریزی و بنا به دستور اجرا گردد. با وجود اینکه میل به اجرای عملیات آفندی در یگان‌ها بیشتر شده بود، اما دو عامل اساسی مانع اجرای تک به طور همزمان در مناطق عملیاتی توسط چند یگان بود:

۱. جذب نیروهای مردمی، آموزش و سازماندهی آنها که به وسیله سپاه پاسداران به کار گرفته می‌شدند به سبب کمبود امکانات و نبود استقبال گسترده مردم، نیازمندیها را تأمین نمی‌نمود.

۲. کمبود مهمات جنگ افزارهای غربی مشکل ساز بود هر چند که تک‌ها در شب و بدون تیراندازی اجرا می‌شد ولی در روزهای بعد پاسخ پاتک‌های دشمن می‌بایستی با آتش داده می‌شد ضمن اینکه تبادل آتش‌های پدافندی در خطوط تماس یگان‌ها هم اجتناب ناپذیر بود.

در بررسی اساسی در این زمینه به دلایل زیر شکست حصر آبادان در اولویت قرار گرفت :

۱. لشکر ۷۷ با در اختیار گرفتن پنج گردان رزمی و یک قرارگاه تیپی جدا شده و تجدید سازمان یگان‌ها از توان رزمی مناسب برخوردار و سپاه پاسداران نیز چند گردان از نیروهای مردمی را سازماندهی و آماده عملیات نموده بود.

۲. در صورت موفقیت و انهدام بیش از یک لشکر زرهی دشمن در شرق کارون خط تماس به رودخانه کارون متکی و امکان صرفه جویی در قوا برای اجرای عملیات در سایر مناطق فراهم می‌گردید.

لذا لشکر ۷۷ پیاده با هماهنگی سپاه پاسداران طرح عملیات ثامن الائمه را تهیه و در ۱۵ شهریور ماه ۱۳۶۰ صادر و یگان‌ها آماده اجرای عملیات گردیدند. بدین ترتیب اولین سال جنگ تحمیلی در حالی به پایان رسید که زمینه‌های لازم برای اجرای عملیات آفندی گسترده به منظور انهدام نیروهای دشمن و آزادسازی سرزمینهای اشغالی فراهم شده بود. کما اینکه این عملیات موفقیت‌آمیز در پنجم مهرماه ۱۳۶۰ به مرحله اجرا در آمد.

در طول اولین سال جنگ توضیحات عمدتاً در زمینه یگان‌های مانوری نیروی زمینی متمرکز گردیده، لذا لازم به تذکر است که یگان‌های توپخانه نیز در تمام مناطق عملیاتی با تلاش پیگیر و فعالیت شبانه‌روزی با آتش خود عملیات آفندی و پدافندی یگان‌های رزمی را پشتیبانی و تلفات و خسارات سنگینی به دشمن وارد نمودند. برای روشن شدن تلاش گسترده این یگان‌ها فقط به عملکرد آنها در منطقه غرب دزفول - شوش اکتفا می‌شود تا گستردگی تلاش آنها در تمام مناطق عملیاتی از یگان‌های رزمی آشکار گردد. به استناد مدارک موجود ۱۱ گردان توپخانه (از مجموع ۶۶ گردان توپخانه نیروی زمینی) مستقر در این منطقه در اولین سال جنگ تحمیلی بیش از یک میلیون گلوله روی متجاوزین عراقی تیراندازی کردند با توجه به کسورات پرسنلی و کمبود وسایل ترابری اهمیت فعالیت این یگان‌ها و تلاش پرسنل در بارگیری، حمل و تخلیه مهمات مذکور از آمدگاهها تا پای قبضه‌ها آشکار می‌گردد همچنین ابتکار فرماندهان آتشبار و گردان در تهیه زاغه مهمات مناسب در نزدیکی مواضع توپها برای انبار کردن مهمات به طوری که در مقابل آتشیهای ضد آتش بار و بمبارانهای هوایی دشمن حداقل آسیب پذیری را داشته و سهولت دسترسی هم برای مصرف و تیراندازی به موقع فراهم گردد قابل تحسین می‌باشد ضمن اینکه نگهداری به موقع و اصولی از لوله توپها که تلوم تیراندازی را فراهم می‌نمود نشانگر تلاش پرسنل این یگان‌ها می‌باشد.

در همین راستا بالگردهای هوانیروز نیز از اولین روزهای جنگ رزمندگان نیروی زمینی را در متوقف کردن، کند نمودن پیشروی دشمن و وارد کردن تلفات و خسارات به متجاوزین یاری نمودند و در جابجایی نیرو، تخلیه مجروحان و حمل مهمات و آذوقه و اجرای شناسائی عملیات یگان‌های رزمی را پشتیبانی کردند. در همین راستا آمارهای موجود یعنی ۲۶۸۰۴۴ ساعت پرواز، جابجایی ۹۴۸۷۱ نفر نیرو، تخلیه ۴۲۷۹۵ نفر مجروح و حمل ۲۲۷۰۰ تن بار نشانگر گستردگی پشتیبانی هوانیروز از عملیات یگان‌ها می‌باشد و با وجود نارسائیها و

کاستیهای فراوان به خصوص عدم دستیابی به قطعات یدکی به سبب تحریم اقتصادی، تلاش و کوشش پرسنل هوانیروز در آماده نگهداشتن وسایل پرنده که امکان تداوم پشتیبانی را فراهم نمود قابل توجه می‌باشد.

۲- نیروی دریایی:

الف - ادامه همکاری و کمک تفنگداران دریایی به رزمندگان اسلام در پدافند از جزیره آبادان.
ب - تأمین پدافند جزایر و سکوهای نفتی در بخش میانی و شمالی خلیج فارس.
پ - اجرای عملیات اسکورت ناوگانهای تجاری و نفتکش در شمال خلیج فارس.
ت - اجرای عملیات گشت زنی و شناسائی در مناطق مربوطه در خلیج فارس.
ث - عملیات تجسس و نجات هواپیماهای خودی و دشمن و شناورهای تجاری آسیب دیده در دریا.

ج - اجرای عملیات تهاجمی به منظور انهدام تأسیسات بندری و سکوهای نفتی البکر و العمیه در دو مرحله:

۱. مرحله اول عملیات اشکان از ۲۰۳۵ نهم آبان ماه ۱۳۵۹ تا ۰۷۵۰ دهم آبان ماه و وارد نمودن خسارات به سکوها.

۲. مرحله دوم عملیات شهید صفری از ۲۲۳۰ چهاردهم آبان ماه تا پایان روز شانزدهم آبان ماه به منظور تکمیل عملیات قبلی و انهدام کامل هر دو سکوی نفتی.

چ - اجرای عملیات تهاجمی بر علیه شناورهای دشمن.

«عملیات مروارید در ششم و هفتم آذر ماه ۱۳۵۹ با پشتیبانی نیروی هوایی انجام، ضمن منهدم نمودن ده فروند ناوچه دشمن دو فروند هواپیمای عراقی سرنگون و بقایای اسکله‌های البکر و العمیه به آتش کشیده شد».

ح - تشکیل گروه رزمی تکاوران در آبادان و آماده نمودن هواناوها برای کمک به رزمندگان اسلام در شکست حصر آبادان.

۳- نیروی هوایی :

- الف - سازماندهی پایگاههای هوایی متناسب با نیاز جبهه‌ها در پشتیبانی از نیروهای سطحی و مأموریت‌های برون مرزی.
- ب - سازماندهی یگان‌های پدافند هوایی و ایجاد فضای امن برای یگان‌های سطحی و شهرها و مناطق حساس و حیاتی در ارتفاع متوسط و بالا.
- پ - آماده نمودن جنگنده‌ها با تعمیر و نگهداری آنها و تمرینات عملی خلبانها.
- ت - حمله به یگان‌های متجاوز در مناطق عملیاتی و تأسیسات نظامی و اقتصادی و مناطق حساس و حیاتی در داخل کشور عراق.
- ث - اعزام افسران رابط به یگان‌های نیروی زمینی به منظور هماهنگیهای لازم.
- ج - اجرای شناساییهای بصری و عکاسی، بنا به درخواست نیروی زمینی به منظور کسب اطلاعات از منطقه و وضعیت دشمن.
- چ - پشتیبانی هوایی از یگان‌های شناور نیروی دریایی در آبهای خلیج فارس و پوشش هوایی شناورهای تجاری و نفتی.
- ح - آماده سازی و توسعه هرچه بیشتر مقدرات پروازی (جنگنده‌ها، هواپیماهای ترابری و سوخت‌رسان)، رادارها و یگان‌های پدافند هوایی.

منابع

- ۱- سازمان عقیدتی سیاسی ارتش کتاب هشت سال دفاع مقدس جلد اول نبردهای غرب دزفول - شوش صفحه ۳۳
- ۲- کتاب ویرانیهای دروازه شرق (تألیف سرلشکر و فیک السامرائی) صفحه ۴۰
- ۳- گزارش شماره ۲۰۱/۴۸/۱۷۲ مورخه ۱۳۵۹/۶/۱۶
- ۴- روزنامه کیهان مورخه ۱۳۵۸/۲/۱۷
- ۵- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - اسناد لانه جاسوسی آمریکا (تهران نشریه شماره ۱ - ۶ بی تا) صفحه ۲۲۱
- ۶- مأخذ ۱ صفحه ۵۲
- ۷- روزنامه اطلاعات دوشنبه ۱۳۷۲/۶/۲۹
- ۸- کتاب ریشه‌های تهاجم از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه پاسداران صفحه ۱۴۴
- ۹- کتاب جنگ، بازیابی ثبات از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه پاسداران صفحه ۱۹
- ۱۰- مأخذ ۹ صفحه ۲۲ و روزنامه انقلاب اسلامی ۱۳۵۹/۹/۱۷
- ۱۱- مأخذ ۹ صفحه ۲۳
- ۱۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل مطبوعات خارجی، نشریه بررسی مطبوعات جهان ۱۳۵۹/۱۱/۹ و مأخذ ۹ صفحه ۲۳
- ۱۳- کتاب درسهایی از جنگ مدرن جلد دوم، جنگ ایران و عراق صفحه ۵۸ و مأخذ ۹ صفحه ۲۲
- ۱۴- مأخذ ۱ صفحه ۴۵
- ۱۵- مأخذ ۲ صفحه ۵۷
- ۱۶- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روزشمار جنگ ایران و عراق کتاب چهارم هجوم سراسری صفحه ۱۸۴ و مأخذ ۹ صفحه ۶۰
- ۱۷- خبرگزاری پارس، گزارشهای ویژه، شماره ۲۶۸ مورخه ۱۳۵۹/۹/۲۱ و مأخذ ۹ صفحه ۷۷
- ۱۸- خبرگزاری پارس، گزارشهای ویژه ۱۳۵۹/۷/۱۲ و مأخذ ۹ صفحه ۶۲
- ۱۹- خبرگزاری پارس، گزارشهای ویژه، نشریه ۲۲۵ به نقل از رادیو لندن ۱۳۵۹/۸/۷ و مأخذ ۹ صفحه ۶۰
- ۲۰- خبرگزاری پارس، گزارشهای ویژه، نشریه ۲۲۷ مورخه ۱۳۵۹/۸/۱۰ به نقل از رادیو امریکا و مأخذ ۹ صفحه ۶۱
- ۲۱- مأخذ ۲
- ۲۲- خبرگزاری پارس، گزارشهای ویژه، نشریه ۲۵۲ مورخه ۱۳۵۹/۹/۵ و مأخذ ۹ صفحه ۶۱
- ۲۳- بولتن جمهوری اسلامی ایران در مسکو مورخه ۱۳۵۹/۸/۸ و مأخذ ۹ صفحه ۶۱
- ۲۴- مأخذ ۲